

نکته اصلی گزارش هر دو این است که سه تن از افراد استخدام‌شده در این پروژه ارتباط میان دولت اسرائیل و این کارزار را تأیید کرده‌اند و می‌گویند خود شاهد بوده‌اند و حاضرند شهادت بدهند حساب‌های کمپین تولید محتوا در حمایت از پهلوی‌ها بحساب‌های جعلی است و آنها که برای احیای سلطنت با تکیه بر رضا پهلوی فراخوان می‌دهند یا هشتک‌هایی مانندKingReza Pahlavi را هم‌رسانی و تبلیغ می‌کنند هویت واقعی ندارند. جدای گزارش «هاآرتز» و موسسه تحقیقاتی کانادایی نوع رأی‌گیری در تارنمای تازه راه‌اندازی‌شده «ایران را پس می‌گیریم» هم برای افراد دقیق‌تر و شک‌برانگیز و ابهام‌خیز بود.

داستان از این قرار است که همین هفته قبل – پنجشنبه ۱۰ مهر ۱۴۰۴ – اعلام شد همزمان با جشن مهرگان این تارنما رونمایی و راه‌اندازی می‌شود و اندک زمانی بعد مراجعان دیدند می‌توانند در گزینه «تیک» رأی بدهند منتها بی‌آن که مشخص شود کاربر واقعی‌اند یا ربات و بدون نیاز به اینکه نام و هویت یا کد و شماره تأییدشده‌ای به‌ثبت برسد و اساساً مشخص شود شخص رأی‌دهنده کودک دوساله است یا جوان ۲۲ ساله و ایرانی است یا نه!

کار به جایی رسید که کاربری این پیام را منتشر کرد: «من از مرورگرهای مختلف به حال ۸۰ بار رأی داده‌ام. کاری کنیم که امضاها ۹۰ میلیون برسند!» یکی از فعالان سیاسی خارج از کشور هم در تلویزیون فارسی‌زبان پرسید: «اینها که در یک روز می‌توانند ۴۸۱ هزار امضای ناشناس جمع‌آوری کنند چرا و چگونه نمی‌توانند ۱۰ درصد از این جمعیت یعنی ۴۸۱۰ آدم واقعی را در یک شهر گردآورند و نظاره‌اشی به راه بیندازند؟! او آنگاه این شبیهه را به طعنه به نحوه بازی «همستر» تشبیه کرد که مدتی موج آن ایران را هم فراگرفته بود و هر که در پی کلیک بر روی آن به امید کسب پول بود. در این فاد هم روی آوردن به فعالیت‌های مجازی و کلیک‌های غیرواقعی و غیرقابل استناد در این فعالیت تازه را برخی به قصد تهیه گزارش به همان خانم گیلا یا ژیلا می‌دانند که پشت پرده این فعالیت ضدایرانی قرار دارد نه این که خود ندانند چه خبر است و اساساً برای پروژه خود روی حمایت و رأی مردم چندان حساب نکرده‌اند. اصل این است که اسرائیل را مجاب کنند و از طریق آن ترامپ کار را اصطلاحاً تمام کند و در اصطلاح فوتبالی‌ها برای آنها درآورد و به این اعتبار مخاطب این پروژه نه مردم ایران که همان خانم وزیر اسرائیلی است. این امر البته مسبوق به سابقه است کما این که پیش‌تر نیز ادبیات مشترک و کلیدواژه‌های تکرارشونده در پیام‌های بنیامین نتانیاهو و رضا پهلوی از اسرائیل و آمریکا گواهی می‌داد چندان که گاه در فاصله چند ساعت و در دعوت از حضور در خیابان‌ها منتشر می‌شد. به گونه‌ای که محمد منظرپور خبرنگار پیشین بی‌بی‌سی فارسی از مهندسی فضای اپوزیسیون ایران خاصه در این وجه از آن تا بن حیدر ایرانی و نویسنده کتاب «مشروطه‌نوین» رضا پهلوی را تنها شاهزاده در کل خاورمیانه توصیف کرد که در کنار اسرائیل قرار داشت!

به هر روز گزارش روزنامه قدیمی اسرائیل جای تردید باقی نگذاشت که کارزار، واقعیت بیرونی ندارد و تحت‌الحمایه دولت نتانیاهوست؛ رویکرد و واقعیتی که از دو منظر شگفت‌آور است: یکی این که اپوزیسیون ایران خاصه در این وجه از آن تا بن حیدر کودک‌صفت است و دست به کارهایی می‌زند که دور از رفتار افراد بالغ است. راز آن را شاید در لقبی بتوان دید که متفکر پرواژه ایرانی – دکتر عبدالکریم سروش – در کرم‌مارگ جنگ ۱۲ روزه به رضایهلوی داده بود:

پیرکودک! عنوانی که به خاطر آغاز اکران فیلم «پیرپسر» اکتای براهنی غریبه نبود و به این بهانه جا دارد از پدر کارگردان هم یاد شود که مورد غضب سلطنت‌طلبان است. به این اتهام که در سفر به آمریکا درباره نقض حقوق بشر در ایران و آنچه در زندان دیده یا شنیده بود مقاله‌ای نوشت و جیمی کارتر در رقابت‌های انتخاباتی با جerald فورد از محتوای همان مقاله در نقد مناسبات جمهوری خواهان یا حکومت‌های ناقض حقوق بشر بهره برد. اگر چه وقتی رئیس‌جمهور شد شب‌زائویه (دی ۱۳۵۶) به ایران آمد تا از دل شاه به درآورد و شاه را دچار سوءتفاهم کرد و باقی قلمه و باتی ماجر را بر اهائی پدر می‌داند و هم رادیکال‌های خارجی به کارگردان (پسر) تاختند و هم سلطنت‌طلبان خارجی! باری؛ پیرکودک بر سباق پیرپسر سرصودا کرد و به قصد اهانت هم به کار نفرت چون آدمیان در علوم مختلف در دست‌بندی‌های متفاوت تعریف و توصیف می‌شوند و مطابق یک تعریف در روان‌شناسی می‌توان افراد را فارغ از سن‌شان در سه گروه کلی جای داد: کودک، بالغ و والد. گروه کودک اگر چه برای کارهای هنری و نمایشی و حتی ورزشی مناسب‌اند اما برای سیاست و قدرت و تدبیر ملک و ملت نه. افراد والد هم به خاطر علاقه وافر به باید و نباید بیشتر مناسب تبلیغات اخراقی و مدیریت فعالیت‌های اقتصادی‌اند و در سیاست بیش از آن دو به نیر‌های بالغ نیاز است.

راه انداختن سایت‌های مجازی با لایک‌ها یا پسندهای فیک / غیرواقعی و ساخت ویدنو با هوش مصنوعی در کنار شیر ژیان نیز کودکانه می‌نماید. با این‌حال هر قدر بتوان برخی رفتارها را به کودک‌صفتی سیاسی نسبت داد و چندان جدی نگرفت ولی جاهایی شاهد رفتارهایی هستیم که از کودکان ولو پیرکودک باشند هم سر نمی‌زند چرا که اتفاقاً بسیار احساسی و عاطفی‌اند و نکته شگفت‌آور دوم همین است و جا دارد به گزارش پیش‌گفته «هم‌میهن» بازگردیم؛ آنجا که به پرسش خبرنگار بی‌بی‌سی از رضا پهلوی اشاره می‌کنند: «واقعاً دارید می‌گویند مجبران اسرائیل در کشور شما، کشته‌شدن غیرنظامیان، اتفاق خوبی است؟»

ویدئوی این سؤال همان روزها بسیار دیده شد؛ ابتدا از حیث چهره متعجب خبرنگار و لحن او و سپس توضیح یا توجیه مصاحبه‌شونده که مدعی بود هدف اسرائیل آسیب‌زدن به مردم ایران نیست. در بخشی از همان گزارش آمد و تکرار آن همچنان می‌تواند قابل تأمل باشد که این مصاحبه آن قدر غیرمتعارف بود که یک مقام کشور خارجی نیز با ادبیاتی تند و کم‌سابقه او را نواخت. خواجه محمداصف، وزیر دفاع پاکستان با اشاره به ادعای پهلوی درباره حمایت مردم ایران، از او خواست اگر واقعاً چنین است، ...! انسان دهد و به ایران برود. او از رضا پهلوی با الفالقی چون «انگل» و «امپریالیست» یاد و انتقاد کرد و با این که در ابتدا از کلمه «خان» استفاده کرده بود اما متن خود را ویراست به این صورت که کلمه‌ای تندتر را به جای آن گذاشت!

وقتی می‌از او خواستند این متن را حذف کند زیر بار نفرت و این گونه واکنش نشان داد: «تأسفاً اور است که بعضی‌ها نگران تعارفات کلامی هستند، وقتی جلوی چشم «دنیای متمنن»، نسل‌کشی در جریان است و هزاران کودک بدون توقف سلاخی می‌شوند، این یک دورهمی شام نیست تا لازم باشد حواس آدم به زبان و آداب معاشرت باشد. پهلوی در کنار نتانیاهو ایستاده، یک دیوانه نسل‌کش. پس تنها چیزی که لایق اوست نفرت است و لایع...»

این نکات البته کمابیش، پیش از این گفته شده بود و افشای جعلی بودن حساب‌ها در سکوه‌ای ایکس و اینستاگرام با کاربران

غیرواقعی و تصویرنماگرها (پروفایل‌هایی که با هوش مصنوعی ساخته شده نیز به همت مؤسسه سیتیزن لب صورت پذیرفته و کشف این نویسنده یا صداوسیما یا پایداری با لعاب ملی نیست و این نوشته در پی نکات دیگری در مقام تحلیل است:

اول این که رضا پهلوی عملاً در اختیار بخش تبلیغاتی اسرائیل قرار گرفته و در آن چارچوب تعریف می‌شود هر چند بعید نیست ریشه افشاگر ی علیه او درون اپوزیسیون و از جانب مخالفان جمهوری اسلامی باشد که در عین حال و به لحاظ سیاسی و فکری با او هم مشکل دارند به گونه‌ای که یا جمهوری خواه و چپ هستند و البته نیروهای مجاهدین خلق که با سوابق رهبران در مبارزه با رژیم سلطنتی پدر او کسب هویت می‌کنند و نمی‌توانند در کنار او قرار گیرند و ترجیح می‌دهند اگر قرار بر ارتباط است خود میدان دار باشند.

واقعیت با همان نکته دوم که با ادعای مبارزه سازگار نیست عاقبت‌طلبی است چرا که منتظر بود اسرائیل حمله کند، مردم به خیابان بیایند و بعد سر و کله او پیدا شود و حالا که اسرائیل حمله کرده اما مردم به خیابان نیامدند و ترجیح دادند به جای امن بروند تا جنگ تمام شود به جای مردم واقعی بی‌که به خیابان نیامدند! لشکری از کاربران با کلیک‌های فیک نشسته‌اند و مثلاً رأی دادند!

مشکل سوم این است که اساساً این جماعت تجربه‌ای از انتخابات آزاد نداشته‌اند. ایران در عصر پهلوی هاتنها یک باره زامانی ۱۲ ساله انتخابات آزاد را تجربه کرده و آن هم مربوط به دورانی است که محمدرضاشاه جوان در دوران اشغال و پس‌اشغال در ضعف مفرط به سر می‌برده و کار به دست رجال قدیمی بوده و مشهورتر و محبوب‌تر از همه دکتر محمد مصدق که هم خود حاصل صندوق رأی مردم تهران در چند دوره بود و هم به انتخابات و رأی مردم بها می‌دادو حتی انحلال مجلس هفدهم –شکل گرفته بانفوذ خوانین و وابستگان اجنبی – رباب به رأی مردم گذاشت. چنان دولت ورجلی را اما با کودتا کنار زدند و حالا هم بر چهره مصدق خاک می‌پاشند و هم از آرای مردمی و برگزاری رفراندم دم می‌زنند. همان‌ها که رفراندم دوران مصدق را غیرقانونی می‌دانند و گفتند قانون اساسی مشروطه در قبال آن ساکت بوده البته خود ۱۰ سال بعد برای انقلاب سفید رفراندمی برگزار کردند! مشکل اصلی رضا پهلوی و حامیان و هم‌فکران او این است که تجربه‌ای از انتخابات آزاد ندارند و از این رو هر ازگاهی نمایشی از آن را در انتخابات به راه می‌اندازند و اگرچه می‌توانند توجیه کنند مجال انتخابات واقعی برای آنها فراهم نیست اما همین مجازی را چرا به نهادی معتبر نمی‌سپارند یا سازوکاری برای آن نمی‌اندیشند که قابل راستی‌آزمایی باشد؟

واقعیت همان است که گفته شد. در پی جلب آرا نیستند. گزارش کاری باید تهیه شود و گزینه نسبتی با صندوق ندانند که اگر داشتند یک بار به‌نامه سرگشاده سه‌ربر جبهه ملی ایران در خرداد ۱۳۵۶ اشاره می‌کردند که اگر به آن عمل کرده بودند حال و روزشان چنان نمی‌شد. آنان حتی این واقعیت را انکار می‌کنند که در آخرین انتخابات برگزارشده در ایران (نیمه تیر ۱۴۰۳) با همه کاستی‌ها و اشکالات و عدم‌انقادی که به عملکرد نهاد و اعضای شورای نگهبان وارد است اما باز حدود پنجاه درصد مردم رأی دادند (توب‌یکو بخشی از ترس سعید جلیلی)، ولی با پیام روشن آن جز این نیست که اغلب این ۵۰ درصد تمایل و به ویژه کنش براندانه ندارند. در میان آن ۵۰ درصدی که رأی ندادند هم باز بخشی به مقوله سیاست و قدرت بدبین یا از آن برکنارند و در آزادترین انتخابات هم حاضر به مشارکت نیستند و در بقیه هم یک‌اقلیت جمهوری خواه قابل توجه در بین آنها وجود دارد و همه‌ای‌اقلی مانده را نمی‌توان در سبب سلطنت‌طلبان قرار داد. از رفتارهای کودکانه اپوزیسیون متکی و پشت گرم به اسرائیل خاصه بعد از جنگ ۱۲ روزه و بازگشت تحریم‌ها و تشویم و به جلوه تازه آن – راه‌اندازی کارزار مجازی با امضا‌های غیرواقعی و کاربرانی با هویت جعلی – پرداختیم و حال می‌توان گفت چه بسا پیش از آن که به زبان جمهوری اسلامی تمام شود به سود آن هم باشد: نخست به این خاطر که منتقدان داخلی را در بزنگاه‌ها به هم‌سویی وامی‌دارد تا به همراهی با آنان که به هماهنگی خواسته و ناخواسته با اسرائیل قابل ترجمه است متهم نشوند.

دوم از این حیث که ایران دوستان ولو منتقد را در قبال طمع به خاک ایران بی‌نیاز سازد.

سوم این که مقامات جمهوری اسلامی را هوشیارتر و منعطف‌کند تا جایی که اگر دیروز در قبال موضوعات خوراک تبلیغاتی‌دهنده‌ای چون اجبار و جریمه در حجاب کوتاه آمدند و به صدهای رادیکال‌های داخلی اعتنا نکردند نیز پس و حتی بعد از فعال سازی مکانیسم ماشه و براساس دو قاعده بقا و مصلحت با توافقات بین‌المللی میدان را از دست‌اپوزیسیون سلطنت‌طلب‌بگیرند و حتی رئیس‌جمهور پیش‌شکبان فرصتی بیابد تا به جای سرگرم بودن با انتقال پایتخت و ساخت مدرسه که در کلیت کار خوبی است ولی مشغولیت اصلی رئیس‌جمهور نیست و طر چرا‌های بی‌حاصل به کلیت ساختار قدرت بقیلاند با دو محور «دموکراسی در داخل» (انتخابات آزاد و حتی برگزاری همه‌پرسی نه در باره موجودیت نظام سیاسی که پیرامون موضوعاتی چون قیمت سوخت یا مناقشه هسته‌ای یا سیاست خارجی) و «دیپلماسی در خارج» مرکب و رکاب و مرکب را از اپوزیسیون وابسته خارج‌نش‌شین و متکی به اسرائیل بگیرند که سودای آن دارد ن‌ن کیشوت‌وار با شمشیر چوبی به جنگ آسیای بادی بیرون و اینجا کاربران غیرواقعی و کلیک‌های دروغین همان شمشیرهای چوبین‌اند. رادیکال‌های ایرانی هم البته گرفتار توهم‌اند؛ همان‌ها که با طرح موضوعاتی چون بس‌تن تنگه هرمز و ساخت بمب و خروج از آن بی‌تی با پیششهاد ایجاد بحران برای حل بحران برای ملک و ملت هزینه می‌تراشند. چندان که با نظارت استصوابی و تشکیل مجلسی با نمایندگانی مستطهر به ۱۰۶ درصد آرای مردم ایران صندوق و پارلمان را از حیث توافاع ساقط کرده‌اند. اپوزیسیون بیرونی هم به شرح مستوفایی که آمد دچار توهم است و نشان آن هم این که با کارزارهای مجازی و آرای غیرواقعی همان شمشیرهای چوبین را به دست ن‌ن کیشوت داده‌اند تا در ستایش و پشتیبانی «سازوجیان» یا هشتخوانه‌ای بسازد حال آن که زوج ایرانی آن در شاهکار ایرج پرشکزار و ناصر تقوایی با دایی جان و مش قاسم در حافظه ما نقش بسته و ماندگار شده است. با این همه اما آسیا و خرج زندگی مردم باید بچرخد و مهم‌تر از چوبین بودن شمشیرهای ذن کیشوت خود آسیاست و در لفظ عامه: آسیاب.

برای رفع هر سوءتفاهم و مرز‌بندی با رسانه‌های اقتدارگرا می‌سزد که تصریح شود: تنها نمی‌توان به واقعی نبودن آراء و نظرات در تارنمای رضا پهلوی دل خوش داشت و گوش را به روی زمره ناخرسندی از بی‌تناسبی دخل و خرج و کاهش فاش قدرت خرید و ارزش پول هم در بست چندان که دبیر کنونی شورای عالی امنیت ملی در فاصله دور درصلا‌حیت ۱۴۰۰ و ۱۴۰۳ و در نفی خالص سازی گفته بود: «ملک را چاره‌ای دیگر نیاز است.»

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

گزارش یک

توقیف اموال شرکت ملی نفت در خارج از ایران به نفع شرکت کرسنت

توقیف اموال شرکت ملی نفت در خارج از ایران به نفع شرکت کرسنت



▼ از انعقاد قرارداد تا توقیف اموال

قرارداد کرسنت ۲۳ سال پیش و در دوران دولت خاتمی به نتیجه رسید و میان ایران و امارات منعقد و قرار شد که از سال ۱۳۸۴ اجرایی شود و اصل موضوع، مربوط به فروش گاز ترش و فرآوری نشده میدان سلمان بود. بر اساس این قرارداد ۲۵ ساله، در ۷ سال ابتدایی قرارداد ۱۸ دلار برای ۱۰۰۰ مترمکعب و ۱۸ سال باقی مانده ۴۰ دلار برای هر ۱۰۰۰ مترمکعب بود. تخفیف فروش گاز ترش فراوری نشده، به عنوان ارزان‌فروشی مورد توجه قرار گرفت. کرسنت به محل دعوای سیاسی دو جریان اصولگرا و اصلاح‌طلب تبدیل شد. جریان منتقد کرسنت که جلوی اجرا و سپس احیای کرسنت را از طریق مجلس و شورای عالی امنیت ملی گرفت می‌گفت در قرارداد ارزان‌فروشی و فساد (در جریان انعقاد قرارداد، مذاکرات مربوط به آن و...) رخ داده است. در مقابل، جریان حامی قرارداد می‌گویند عدم‌النفع جلوگیری از اجرای این قرارداد به‌رغم فساد رخ داده در آن، بیش از اجرای آن بوده و تخفیف ارائه شده به طرف مقابل برای فروش گاز ترش فراوری نشده و انتقال هزینه به سمت خریدار، به معنی ارزان‌فروشی نیست. بنابراین پرونده مذکور بیش از آن که یک پرونده حقوقی -اقتصادی باشد، تبدیل به یک پرونده سیاسی شد. محمود احمدی‌نژاد ابتدا موافق توقف این قرارداد بود. اما بعداً به دنبال احیای آن رفت ولی گفته می‌شود که به خاطر فشارهای سعید جلیلی در شورای عالی امنیت ملی در نهایت این قرارداد اجرایی نشد و پس از کش‌وقوس‌های فراوان، کار به دیوان لاهه کشید. موضوع کرسنت در جریان انتخابات سال ۱۴۰۳ یکی از مسائل چالشی مناظره میان نامزدهای انتخابات بود. چرا که سه ضلع درگیر در این پرونده یعنی

گروه خبر: توقیف ساختمان ۱۰۰ میلیون پوندی (معادل ۱۲۵ میلیون دلار) شرکت ملی نفت در لندن و توقیف ۲/۳ میلیارد دلار پول شرکت ملی نفت در مالزی نزد بانک FIIB به دلیل عدم اجرای قرارداد کرسنت بار دیگر این قرارداد را به صدر خبرها آورد. خبرگزاری فارس گزارش داد که پول توقیف‌شده در مالزی، متعلق به‌بابک زنجانی بوده است. خود او نیز طی پستی در شبکه‌توییتر، نوشت که این پول در بانک FIIB مالزی بوده و خط‌طلاتی بر ادعاهایی می‌کشد که مبنی بر وجود نااشتن پول در حساب‌های او مطرح می‌شده است. ساختمانی که دادگاه استیناف لندن در نهایت حکم به توقیف آن داد، در خیابان ویکتوریا و نزدیک به مرکز سیاسی لندن، از حدود ۵۰ سال پیش به شرکت نفت تعلق داشته و بر اساس اخبار، اگر چه بخش‌هایی از آن اجاره داده شده اما همچنان در تملک دولت ایران بوده است. سال گذشته همین اتفاق برای ساختمان شرکت نفت در هلند رخ داده بود.

قرارداد کرسنت یکی از جنجالی‌ترین و پر حاشیه‌ترین قراردادهای نفتی و گازی ایران است که از اوایل دهه ۱۳۸۰ تاکنون همواره محل مناقشه سیاسی، حقوقی و اقتصادی بوده. این پرونده طی دو دهه اخیر ابعاد گسترده‌ای پیدا کرد، تا آنجا که اموال ایران در کشورها را خارجی به عنوان بخشی از اجرای رأی صادره، توقیف یا مصادره شده‌اند. اکنون که روند قضایی و حقوقی پرونده به فصول تازه‌ای وارد شده است، بحث «بازگشت توقیف اموال شرکت ملی نفت» را به یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی و سیاسی کشور تبدیل کرده است. بر اساس اخبار، ایران در جریان پرونده کرسنت به پرداخت دوونیم میلیارد دلار جریمه محکوم شد.



دومین روز گفت‌وگوهای آتش‌بس در مصر به پایان رسید

جنگ در غزه مذاکره در شرم‌الشیخ

▼ تهدید حماس از سوی ترامپ

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده در دو نوبت راجع به موضوع غزه و آنچه امروز در این منطقه و مذاکرات می‌گذرد اظهار نظر کرد. شب گذشته متن نامه ترامپ به خانواده اسرای اسرائیلی که در غزه نگهداری می‌شوند، از سوی رسانه‌ها منتشر شد. رئیس‌جمهور آمریکا در این نامه که به مناسبت دو سالگرد خرداد مهم ۷ اکتبر نگاشته شده بود، به مواضع تند خود علیه حماس و مقاومت فلسطین ادامه داد. او بدون اشاره به کشتار اسرائیل در غزه طی دو سال گذشته، خطاب به این خانواده‌ها گفت: «از ۷ اکتبر من مصمم به بازگرداندن همه اسیران بوده‌ام. می‌خواهم نابودی حماس را تضمین کنم تا هرگز اقدامات خود را تکرار نکند. ما همچنان متعهد به پایان دادن به این درگیری هستیم!» او در بخش دیگری از نامه ادعا کرد: «به صورت خستگی‌ناپذیر برای احیای سیاست خارجی مبتنی بر صلح از طریق قدرت تلاش خواهیم کرد.»

ترامپ عصر روز ششم اکتبر به وقت واشنگتن نیز در دفتر کار خود طی اظهاراتی گفت: «تیم تراب اول ما شامل استیو ویتکاف و جرد کوشر روی این توافق کار می‌کند و به‌نظم کارشان عالی است. مردم اسرائیل خواهان دستیابی به این توافق هستند. به‌نظم حماس اکنون خوب بر خود کرده است. امیدوارم همین رویه ادامه داشته‌باشد. من واقعاً فکر می‌کنم که به‌توافق می‌رسیم. بخت‌ما برای حصول این توافق واقعاً خوب است و این توافق صلح پایدار خواهد بود. این توافق فراتر از غزه است. غزه موضوع مهمی است، اما این توافق به‌معنای برقراری صلح در خاورمیانه است.» رئیس‌جمهوری آمریکا با اشاره به حمایت کشورهای عرب و مسلمان منطقه از این طرح گفت: «مسئله شگفت‌انگیز این است که همه کشورهای عرب و مسلمان، همه کشورهای مجاور خواهان این توافق هستند. من با رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه صحبت کردم. او فوق‌العاده و قدرتمند است و برای حصول این توافق بسیار سخت‌تلاش کرده و حماس احترام زیادی برای او قائل است. حماس همچنین احترام بسیاری برای قطر، امارات عربی متحده و عربستان سعودی قائل است. همه برای دستیابی به این توافق طرف‌ها هستند. چنین چیزی بی‌سابقه است. همیشه ۸۰ درصد آن‌ها با چیزی مخالف بودند.» دونالد ترامپ افزود: «فکر می‌کنم عملایک سیگنال قوی از ایران دریافت کردیم مبنی بر این که آن‌ها هم می‌خواهند این توافق حاصل شود.» او همچنین گفت: «گفت‌وگوهای مثبتی با حماس و کشورهای مختلف برای آزادی



▼ برای پایان این بحران تلاش می‌کنیم

بدر عبدالعاطی، وزیر خارجه مصر در گفت‌وگویی که با شبکه العربیه داشت، اعلام کرد که مذاکرات شرم‌الشیخ بر بررسی سازوکار خروج نیروهای اسرائیلی از نوار غزه متمرکز است و قاهره برای موفقیت طرح آمریکا با هدف پایان دادن

به جنگ در این منطقه تلاش می‌کند. او تأکید کرد که این مذاکرات با حضور نمایندگان طرف‌های مختلف، دستیابی به‌مرحله‌نخست توافق را دنبال می‌کند که شامل آزادی گروگان‌ها و تبادل اسراست. وزیر خارجه مصر گفت: «در مذاکرات برای پایان دادن به جنگ در غزه، پیشرفت قابل توجهی حاصل شده است. هم‌اکنون نیز تلاش‌ها بر دستیابی به توافقی متمرکز است که ورود کمک‌های انسانی و ایجاد سازوکاری امنیتی را تضمین کند تا امنیت همه طرف‌ها و خروج کامل ارتش اسرائیل از نوار غزه محقق شود.» وزیر خارجه مصر ابرار امیدواری کرد که در این گفت‌وگوها به‌ویژه در زمینه برگزاری کنفرانسی بین‌المللی برای بازسازی و بهبود فوری اوضاع انسانی در غزه، پیشرفت بیشتری به‌دست آید. عبدالعاطی همچنین از برگزاری نشست‌های مهم در پایان هفته خبر داد که در چارچوب تلاش‌ها برای استقرار نیروی بین‌المللی در غزه و بررسی سازوکارهای اجرایی آن برگزار خواهد شد.